

عوامل کلیدی توفیق در اشتغال زایی بخش صنعت

دکتر فرج الله رهنورد

استادیار مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

E-mail: f.rahnvard@imps.ac.ir

میراحمد حسینی

کارشناس ارشد مدیریت دولتی

چکیده

به منظور تدوین برنامه جامع اشتغال و همچنین توجه بیشتر به عامل اثرگذار، شناسایی عوامل کلیدی توفیق در ایجاد اشتغال در بخش صنعت از اهمیت خاصی برخوردار است. از آنجا که عوامل زیادی در ایجاد اشتغال در بخش صنعت تأثیر می‌گذارد، دستیابی به هدف (عواملی که بیشترین تأثیر را می‌تواند در ایجاد اشتغال داشته باشد) بدون شناسایی علمی و دقیق عوامل کلیدی توفیق امکان پذیر نخواهد بود. تحقیق حاضر که از نوع پیمایشی است در همین ارتباط در بخش صنعت استان آذربایجان شرقی انجام گرفته است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، صد عامل مؤثر در ایجاد اشتغال در این بخش شناسایی شد و سپس مورد نظر سنجی قرار گرفت. با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی، عوامل مورد نظر به ده عامل کلیدی اثرگذار تقییل و رتبه بندی شدند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عامل "بهبود مدیریت در بخش صنعت" مهمترین عامل کلیدی مؤثر در ایجاد اشتغال است.

کلید واژه‌ها: عوامل کلیدی توفیق، اشتغال کامل، نظریه‌های اشتغال، استراتژی اشتغال.

مقدمه

ایجاد شورایی اشتغال در کشور؛ (۳) اصلاح قانون جلب و حمایت از سرمایه گذاری، و قانون مالیات؛ (۴) برنامه ریزی برای اتمام طرح‌های نیمه تمام؛ (۵) جهت گیری دولت در برنامه سوم توسعه برای ایجاد ۷۶۵ هزار شغل در سال؛ (۶) فعالیت سازمان خصوصی سازی و لغو برخی از انحصارات دولتی؛ (۷) مدیریت وجوه ارزی از طریق تاسیس صندوق ذخیره ارزی؛ (۸) تعیین معاونت اشتغال برای هر یک از وزیران؛ و (۹) تشکیل ستاد ویژه اشتغال. همه اقدامات فوق در بستر سازی و ایجاد زمینه‌های اشتغال مثبت و مؤثر است، اما شناسایی عوامل کلیدی توفیق در اشتغال زایی در بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه بخش صنعت نقش مهمی در

روند رو به افزایش جمعیت به ویژه در دهه ۶۵-۵۵ باعث شد که جامعه ما را پدیده‌ای به نام بیکاری تهدید کند به طوری که هر سال بر عرضی نیروی کار در جامعه افزوده می‌شود، اما تقاضای کار به دلیل نبود فرصت شغلی کافی، جوابگوی عرضه نیروی کار نمی‌شود. به علاوه، بیکاری خود موجب تشدید بیکاری و کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی (رکود اقتصادی) می‌شود. دولت ج.ا.ا. به منظور جلوگیری از این پدیده در طول چند سال گذشته تدابیر مختلفی را اتخاذ کرده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: (۱) تشکیل فراکسیون اشتغال در مجلس شورای اسلامی؛ (۲)



برنامه‌ریزی‌های آتی می‌تواند داشته باشد. شناسایی عوامل کلیدی توفیق به دست اندرکاران، برنامه‌ریزان، کارشناسان و مدیران جامعه کمک می‌کند که آنها بتوانند تمام توان خود را به ترتیب اولویت به عوامل کلیدی متمرکز و برنامه‌های خود را متناسب با اولویت‌های تعیین شده تنظیم کنند. بدیهی است با کنترل متغیرهای کلیدی، دستیابی به هدف زمینه‌های ایجاد اشتغال در بخش صنعت تسهیل می‌یابد.

در این مقاله عوامل کلیدی موثر در اشتغال‌زایی در بخش صنعت استان آذربایجان شرقی که یکی از قطب‌های صنعتی کشور محسوب می‌شود، مطالعه می‌شود. همان‌طور که مریدی (۱۳۷۹) اشاره می‌کند، بخش صنعت ایران بیش از ۴۰ درصد شاغلان را در خود جای داده است، و متشکل از کارگاه‌های کوچک یا متوسط با پراکندگی جغرافیایی ناموزون و اندکی تولیدکنندگان بزرگ است. دلیل انتخاب بخش صنعت آن است که این بخش در بین سایر بخش‌های عمده اقتصادی از قابلیت‌های ویژه‌ای برخوردار است و به لحاظ پویایی و تاثیرگذاری بر اشتغال، شاید در بین سایر بخش‌ها مهمترین بخش عمده اقتصادی را تشکیل می‌دهد. شکوفایی این بخش موجب تحرک و شکوفایی سایر بخش‌های اقتصادی می‌شود و شکوفایی سایر بخش‌ها زمینه را برای اشتغال فراهم می‌کند. به سخن دیگر، ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش صنعت با توجه به پویایی و خاصیت القایی آن، موجب اشتغال غیر مستقیم با ضریب ۳ الی ۵ در سایر بخش‌های اقتصادی می‌شود.

مفهوم اشتغال

اشتغال از لحاظ کلی به معنای استفاده از یک عامل تولید توسط شرکت یا موسسه دولتی و به‌طور متداول‌تر به معنای استخدام و مشغول بودن در کار است. اشتغال به حالت شاغل بودن نیز اطلاق می‌شود و شاغل به کسی گفته می‌شود که برای کسب مزد و سود کار می‌کند و طبق تعاریف این اصطلاح شامل کسانی نیز می‌شود که

در خانواده یا مزرعه بدون مزد کار می‌کنند (نائینی، ۱۳۷۲). اشتغال کامل حالت ایده‌آل در حیات اقتصادی هر ملت است. اشتغال کامل وضعیتی است که در آن کلیه افراد فعال جامعه می‌توانند کار مناسب را به آسانی پیدا کنند. به سخن دیگر، اشتغال کامل آن چنان شرایطی است که در آن برای کلیه کسانی که قادر و مایل به کار کردن باشند شغل ثمر بخش وجود داشته باشد. در وضعیت اشتغال کامل، مشاغل بلامتصدی همیشه باید بیشتر از تعداد بیکاران باشد و رقم ۳ تا ۵ درصد بیکاری معمولاً میزان معمولی و طبیعی بیکاری است که حفظ آن به عنوان حداکثر اشتغال کامل مورد توجه بوده عامل مهم در رشد اقتصادی و از همه مهمتر عامل بالا رفتن سطح زندگی است. حد اشتغال کامل از دیدگاه مکتب کلاسیک عبارت است از حدی که کلیه عوامل تولید یعنی نیروی انسانی، سرمایه، و مواد اولیه در جامعه بتواند به کار مشغول باشند و مورد استفاده واقع شوند (رابینسون، ۱۳۵۶).

اشتغال صنعتی از دو بخش تشکیل یافته است. یکی اشتغال ناشی از راه‌اندازی طرح‌های جدید تولیدی که تعداد قابل توجهی از نیروی انسانی می‌توانند در واحد به بهره‌برداری رسیده فعالیت کنند. بخش دیگر، اشتغالی است که در جریان ساخت و ساز طرح‌های تولیدی صنعتی و پس از راه‌اندازی آنها ایجاد می‌شوند که عمدتاً در زمینه خدمات مهندسی و پیمانکاری‌های عمومی صنعتی و نیز ناشی از به‌کارگیری ظرفیت خالی واحدهای موجود است که با جذب نیروی اضافی سفارش‌های ساخت داخل طرح‌های مربوطه را به انجام می‌رسانند. البته می‌توان انتظار داشت که در بخش‌هایی که با صنعت پیوندهای پسین و پیشین دارند، مشاغل دیگری ایجاد شوند که بدون توسعه صنعتی تحقق چنین امری امکان‌پذیر نیست.

عوامل مؤثر در اشتغال‌زایی

عوامل بسیار زیادی در اشتغال‌زایی موثرند اما میزان اثرگذاری این عوامل فرق می‌کند. برخی از عوامل تأثیر خیلی زیاد در ایجاد اشتغال دارند اما تأثیر برخی دیگر ضعیف یا متوسط است. دیدگاه‌های زیادی

درباره وضعیت اشتغال و بیکاری مطرح شده است که از این طریق برخی از عوامل موثر در ایجاد اشتغال شناسایی شده‌اند. شاید مهمترین عوامل موثر در اشتغال‌زایی در نظریه‌های معروف اشتغال اقتصاد دانان تجلی پیدا کرده باشد. این نظریه‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر عواملی تاکید می‌کنند که در اشتغال‌زایی دخیل هستند که از آنجمله می‌توان به عواملی چون تعداد واقعی مزد، هزینه‌های دولتی، حدود دخالت دولت در امور اقتصادی، سیاست‌های دولت، میزان تورم شتابان، و خصوصی سازی اشاره کرد (آلن، ۱۳۷۷؛ می‌ریز و وال، ۱۳۷۰؛ هایامی، ۱۳۸۰؛ تودارو، ۱۳۷۷). مه‌پر (۱۳۷۸) تدوین و اجرای استراتژی‌های عمده توسعه صنعتی نظیر جایگزینی واردات یا جایگزینی صادرات را از عوامل اشتغال‌زایی برای کشورهای در حال توسعه می‌داند.

در بررسی رابطه بین میزان بیکاری و هزینه‌های دفاعی در ۱۸ کشور، پل (۱۹۹۶) دریافت که ارتباط یکنواختی بین دو متغیر در کشورهای مورد مطالعه دیده نمی‌شود. بدین معنی که در بعضی از کشورها مانند آلمان و استرالیا هزینه‌های دفاعی بر میزان نرخ بیکاری تاثیر گذار است، در حالی که در دانمارک هزینه‌های دفاعی باعث بدتر شدن وضعیت اشتغال شده است. بررسی گرین (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که اروپا سیاست دستمزد عادلانه را به قیمت میزان بیکاری بالا به دست آورده است، در حالی که امریکا با کم‌توجهی به دستمزدهای عادلانه توانسته است میزان بیکاری را پایین نگه دارد. کوئیچین (۲۰۰۰) کاهش میزان بیکاری در استرالیا را ناشی از اعمال خط مشی توسعه می‌داند که کشور را در وضعیت اشتغال کامل قرار داده است. ویلیامز و ویندبنک (۱۹۹۹) استدلال می‌کنند که تحدید آینده‌کار به چشم انداز اشتغال کامل، راه را بر دیگرگزینه‌های اشتغال می‌بندد. آنها معتقدند که علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی، باید به توانمندسازی مردم پرداخت تا به بهبود شرایط خود پردازند که می‌تواند زمینه ساز مشاغل جدید باشد. کلارک (۱۹۹۷) در قالب یک تحقیق پیمایشی دریافت که ۴۰ شرکت عضو اتحادیه، نقش

مؤسسات آموزشی را در تربیت نیروهای انسانی ماهر و کارآمد برای اشتغال‌زایی بسیار مهم می‌دانند. تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی از جمله عواملی هستند که در ایجاد اشتغال می‌توانند بسیار موثر باشند. هر چند این قبیل تکنولوژی‌ها در مواردی جایگزین انسان شده‌اند (کاردینالی، ۲۰۰۰)، اما به نوبه خود فرصت‌های شغلی زیادی را به وجود آورده‌اند (قاسم زاده، ۱۳۸۰؛ جلالی، ۱۳۸۰). تودارو (۱۳۷۷) عوامل ۵ گانه زیر را در اشتغال‌زایی بسیار مناسب می‌داند: (۱) ایجاد تعادل اقتصادی مناسب بین شهر و روستا؛ (۲) گسترش صنایع کوچک؛ (۳) انتخاب تکنولوژی‌های مناسب کاربرد تولید؛ (۴) حذف انحرافات قیمت عوامل؛ و (۵) تعدیل ارتباط مستقیم بین آموزش و اشتغال.

ایجاد خوشه‌های صنعتی یکی از راهکارهایی است که هم در اشتغال‌زایی و هم توسعه صادرات نقش کلیدی دارد. خوشه صنعتی یک گروه از فعالیت‌های صنعتی به هم مرتبط و مؤسسات پشتیبان آنها در منطقه‌ای جغرافیایی هستند که براساس اصول رقابت و همکاری فعالیت می‌کنند (رهنورد، ۱۳۷۸). افراد آموزش دیده و ماهر، شاغلان بالقوه هستند که در صنایع رقابتی امروز به راحتی می‌توانند شغل مناسبی پیدا کنند و قابل استخدام هستند (بگشاو، ۱۹۹۶). بررسی ساسانی (۱۳۶۴) نیز در اصفهان نشان می‌دهد که عواملی مانند آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، افزایش رشته‌های فنی در دانشگاه‌ها، و اصلاح نظام آموزش و پرورش در اشتغال‌زایی موثر هستند. مریدی (۱۳۷۹) اتخاذ سیاست کارآفرینی مبتنی بر بنگاه‌های خرد را در تولید و اشتغال‌زایی بسیار مهم می‌داند. به زعم او دولت به جای دخالت در اقتصاد باید فعالیت خود را به سیاست‌گذاری و نقش هدایتی محدود کند، و چنین نقش حمایتی را شامل موارد زیر می‌داند: (۱) ایجاد سازمان مسئول در زمینه بنگاه‌های خرد و متوسط؛ (۲) اعطای وام و تسهیلات بانکی؛ (۳) ارائه خدمات مشاوره‌ای؛ (۴) حمایت اطلاعاتی؛ (۵) تکنولوژی و دانش فنی؛ و (۶) آموزش به تولید کنندگان کوچک.

جدول ۱. آزمون کرویت بارنتل و کفایت نمونه برداری

۰/۸۹۰	کفایت اندازه گیری نمونه برداری KMO	تست کرویت
۱۶۱۶۸/۰۸۵	مربع کای تقریبی	بارنتل
۴۹۵۰	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی داری	

بهبود توزیع مجدد درآمد: توزیع مجدد درآمد به نفع فقرا موجب تناسب بیشتر الگوی تقاضا با روند ایجاد مشاغل می شود؛

سرمایه گذاری مکمل: جست و جوی سرمایه گذاری هایی که مکمل نیروی کار باشند نه جایگزین آن؛

نهادهای کوچک: به طور کلی بنگاه های کوچک، در مقایسه با بنگاه های بزرگتر در بخش رسمی اقتصاد، برای تولید محصول از سرمایه کمتر و نیروی کار بیشتر استفاده؛

برنامه های غذا در مقابل کار: این برنامه ها ترکیبی از به کارگیری تسهیلات مناسب اجتماعی و توزیع مجدد درآمد را برای بهبود وضعیت فقیرترین قشرهای جامعه به کار می گیرند.

پرسش های پژوهش

بخش صنعت، موتور محرک توسعه اقتصادی و اجتماعی است و در صورت توجه به آن نه تنها در پیشرفت هر یک منطقه تأثیر بسزایی می گذارد، بلکه نقش موثری در فراهم کردن زمینه های اشتغال جوانان می تواند داشته باشد. برای گسترش صنعت و فراهم کردن اشتغال بیکاران در این بخش از اقتصاد منطقه آذربایجان شرقی، ضروری است عوامل کلیدی توفیق در اشتغال زایی به روش علمی مورد مطالعه قرار گیرد. برای تحقق این مهم، در این تحقیق دو پرسش اساسی زیر لحاظ شده است: الف- عوامل کلیدی توفیق (C.S.Fs) در ایجاد اشتغال در بخش صنعت استان آذربایجان شرقی کدام اند؟

ب- ترتیب اهمیت این عوامل از نظر تاثیرگذاری چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش یک تحقیق توصیفی، میدانی، و اکتشافی است که با استفاده از دیدگاه های مدیران به شناخت عوامل موثر اثرگذار برای اشتغال زایی در بخش صنعت آذربایجان شرقی پرداخته است. جامعه آماری تحقیق حاضر عبارت است از مدیران سطوح عالی،

بهبودی (۱۳۷۸) در گزارش خود تحت عنوان چشم انداز بازار کار و اشتغال عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال را برشمرده است که از این قرارند: افزایش تولید ناخالص داخلی، ارتقای بهره وری نیروی کار، تعدیل قیمت نسبی نیروی کار، تعدیل نسبت سرمایه به کار، تأکید بر توجیه اقتصادی طرح های سرمایه گذاری بهینه، و تبیین نقش بخش نیمه دولتی و توسعه ی مشارکت آن، اصلاح توقعات شغلی، تبیین رابطه مناسب نظام آموزشی با بازار کار، تعریف مشاغل جدید و توسعه تقسیم کار، ایجاد رابطه مناسب بین بخش خدمات و بخش های تولیدی، اعمال رابطه مناسب بین بخش خدمات و بخش های تولیدی، اعمال محدودیت بر درآمدهای غیر کاری، ترویج و ارج نهادن به کار، انعطاف و سازگاری قوانین و مقررات، و گسترش بیمه های تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری. ثابته در تحقیقی که در سال ۱۳۷۸ انجام داده است، این عوامل را مؤثر می داند: افزایش تولید ناخالص داخلی با ارتقای بهره وری نیروی کار، تعدیل قیمت نسبی نیروی کار، تبیین نقش بخش عمومی و خصوصی در ایجاد اشتغال، اصلاح توقعات شغلی، تعیین رابطه مناسب نظام آموزش و بازار کار، تعریف مشاغل جدید، ایجاد رابطه مناسب بین بخش خدمات و بخش های تولیدی، ترویج و ارج نهادن به کار و اعمال محدودیت بر درآمدهای بدون کار، انعطاف و سازگاری قوانین و مقررات با فرایند اشتغال، گسترش بیمه های تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری.

گیلیس و همکاران (۱۹۹۲) برای حل مسئله اشتغال نقش عوامل زیر را مورد تأکید قرار داده اند:

فناوری: تکنولوژی امکان استفاده گسترده تر و کاراتر از نیروی کار را فراهم می آورد؛ .

میانی، و عملیاتی واحدهای صنعتی بزرگ استان آذربایجان شرقی. براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه ۲۶۲ تعیین و پرسش‌نامه‌های تنظیمی به روش تصادفی ساده در میان مدیران واحدهای صنعتی بزرگ توزیع شد. (۲) جدول ۱ نشانگر کفایت نمونه برداری و معنی دار بودن آزمون کرویت بارتلست است. بنابراین، تحلیل عاملی انجام شده به لحاظ حجم نمونه برای تفکیک مولفه‌ها براساس مفاهیم زیربنایی از اعتبار لازم برخوردار است.

در این بررسی، ابتدا به روش مصاحبه با افراد متخصص و صاحب نظر و مدیران صنایع و اعضای کار گروه اشتغال و سرمایه‌گذاری استان، و همچنین نتایج یافته‌های پژوهشی، و گزارش‌های مرتبط با اشتغال‌زایی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت کار و امور اجتماعی، تعدادی از مهمترین عوامل اشتغال فهرست‌بندی شدند و سپس این عوامل با داوران مختلفی که ارتباط بلافصلی با صنایع دارند در میان گذاشته شد. در نهایت مشخص شد که حدود ۱۰۰ مؤلفه در ارتباط با عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال در بخش صنعت استان مهم هستند که کلیه ابعاد گسترده اشتغال در صنایع فلزی و غیر فلزی را پوشش می‌دهند.

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. عدد صفر بیانگر عدم پایایی و یک بیانگر پایایی کامل بین مولفه‌های سازه یا عامل است. آلفای کرونباخ محاسبه شده (۰/۸۱۱) نشانگر پایایی نسبتاً مناسب ابزار جمع‌آوری داده‌هاست.

یافته‌های پژوهش

به منظور پی بردن به متغیرهای زیربنایی پدیده یا تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. داده‌های اولیه برای تحلیل عاملی، ماتریس همبستگی بین متغیرهاست (سرمد، بازرگان، و حجازی، ۱۳۷۸). ویژگی عمده تحلیل عاملی تقلیل شاخص‌ها و متغیرهای زیاد به چند عامل با استفاده از روش‌های ریاضی پنهان و پیچیده است. این ویژگی امکان طبقه‌بندی تعداد زیادی از پدیده‌ها را فراهم می‌کند.

جدول ۲ تفکیک و گروه‌بندی مؤلفه‌ها در ۹ عامل زیربنایی بعد از چرخش واریماکس نشان داده شده است. نام‌گذاری عامل‌ها بر اساس مضمون مولفه‌هایی انجام شده است که در یک عامل دارای بار عاملی بیشتری بودند.

جدول ۲. توزیع ساختار عاملی پس از چرخش واریماکس (متعامد)

ضریب عامل‌ها	عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال	شماره خصوص	رتبه
			رتبه
	سرمایه‌گذاری در صنایع مقیاس کوچک	۱	عامل
۰/۷۷۴	توسعه صنعت در روستاها	۲۹	۱
۰/۷۵۸	توسعه صنایع دستی	۳۰	۲
۰/۶۳۰	گسترش و ترویج خود اشتغالی در بخش صنعت	۴۵	۳
۰/۶۱۲	سرمایه‌گذاری در طرح‌های خوداشتغالی در بخش صنعت	۳۵	۴
۰/۵۰۴	گسترش تعاونیها و هدایت بیکاران در جهت ایجاد تعاون در بخش صنعت و معدن	۴۶	۵
۰/۴۹۱	ایجاد و توسعه شهرکهای جدید صنعتی در شهر و روستا	۴۳	۶
۰/۴۶۲	توسعه و گسترش مجتمع‌های آموزشی و اشتغال در بخش خصوصی	۳۶	۷
۰/۴۴۷	توسعه صنعت توریسم و جهانگردی با عرضه محصولات صنایع دستی	۳۳	۸
۰/۴۲۰	سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک	۱۰	۹
۰/۴۱۴	تهیه و تدوین رشته‌های مناسب درسی در مقطع متوسطه و راهنمایی جهت دستیابی به شغل	۴۴	۱۰

ادامه دارد...



ادامه جدول ۲

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	بهبود مدیریت و ارتقای سطح فرهنگ کار در بخش صنعت	۲	عامل
							۰/۶۹۰		توسعه مدیریت کارآمد و لایق و استقرار شایسته سالاری در انتصاب مدیران	۲۰	۱
							۰/۶۶۹		وجود مدیران با نگرش توسعه و صادرات	۱۹	۲
							۰/۶۲۸		وجود مدیران کارآفرین در بخش صنعت	۱۸	۳
							۰/۶۱۸		شناسایی تنگناهای بخش صنعتی از طریق انجام پروژه های تحقیقاتی	۲۱	۴
							۰/۵۸۹		رقابتی کردن صنایع	۲۲	۵
							۰/۵۰۵		اصلاح و توسعه فرهنگ کار	۳۴	۶
							۰/۴۷۴		تعدیل قوانین مالیاتی	۱۶	۷
							۰/۴۲۰		ایجاد شرکت های مشاوره ای در بخش صنعت	۲۳	۸
							۰/۴۱۵		توسعه صادرات و پویا کردن بازرگانی و فراهم کردن زمینه های صادرات محصولات صنعتی	۳۸	۹
									توسعه آموزش	۳	عامل
							۰/۶۸۵		توسعه آموزشهای فنی و حرفه ای	۱	۱
							۰/۶۶۲		کارآموزی دانشجویان در واحدهای صنعتی	۳	۲
							۰/۵۸۴		برگزاری سمینارها و کارگاههای آموزش	۴	۳
							۰/۵۳۴		توسعه آموزشهای بهبود مدیریت	۲	۴
							۰/۴۹۷		گسترش آموزشهای استاد - شاگردی	۵	۵
							۰/۴۹۳		توسعه مراکز آموزش فنی حرفه ای در جوار کارخانهها	۵۲	۶
							۰/۴۶۰		ترجمه کتابهای خارجی موثر از انتشارات سازمان بین المللی کار و یونیدو	۴۸	۷
							۰/۴۶۰		ایجاد شعبه ای از اشتغال در مرکز آموزش فنی و حرفه ای	۵۱	۸
							۰/۴۳۳		اعمال مدیریت واحد در آموزشهای فنی و حرفه ای	۵۰	۹
							۰/۴۲۹		آموزش مهارتهای فنی و حرفه ای توأم با آموزشهای مدیریت، بازرگانی، بازاریابی	۵۳	۱۰
							۰/۴۱۶		سرمایه گذاری در آموزش تکنولوژیهای اطلاعاتی	۸	۱۱
							۰/۴۰۸		ایجاد تناسب و هماهنگی بین نظام تولید و آموزش	۲۸	۱۲
									تنظیم بازار اقتصادی (پول، کالا، سرمایه و کار)	۴	عامل
							۰/۶۷۰		توسعه بازارهای مرزی جهت عرضه فروش محصولات صنعتی	۹۵	۱
							۰/۶۵۰		تنظیم بازار اقتصادی (پول- کالا- سرمایه)	۹۶	۲
							۰/۶۴۲		تقویت منطقه ویژه اقتصادی	۹۴	۳
							۰/۴۹۱		تنظیم عرضه و تقاضای بازار کار	۹۷	۴
							۰/۴۶۵		فراهم کردن زمینه های خصوصی سازی کارگاههای بزرگ صنعتی تحت پوشش سازمان صنایع ایران و سازمان گسترش صنایع تولیدی و بنیادها و نهادها و ...	۸۸	۵
							۰/۴۳۳		ایجاد شرکت سرمایه گذاری و توسعه منطقه	۹۸	۶

ادامه دارد...

ادامه جدول ۲

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	بهبود شرایط کار	۵	عامل
				۰/۷۱۷					عدم استفاده از اضافه کاری در واحدهای صنعتی	۷۱	۱
				۰/۶۵۵					کاهش ساعات کار (۴۴ ساعت در هفته به ۳۵ ساعت در هفته)	۷۰	۲
				۰/۵۴۷					بازنشستگی پیش از موعد	۶۲	۳
				۰/۵۴۱					تک شغلی بودن کارکنان دولت و کارگران بخش خصوصی	۶۳	۴
				۰/۵۱۴					کاهش فشارهای روزمزدی در واحدهای صنعتی	۷۲	۵
				۰/۴۹۴					تقویت صندوق ذخایر بیمه بیکاری	۶۵	۶
				۰/۴۷۶					توسعه مراکز خدمات اشتغال بخش خصوصی	۶۴	۷
				۰/۴۴۴					افزایش ساعات کار فروشگاهها به منظور افزایش مصرف با فروش محصولات صنعتی	۷۳	۸
				۰/۴۳۰					ایجاد صندوق پس انداز اشتغال	۵۹	۹
									اصلاح و تنظیم قوانین و مقررات مرتبط با صنعت	۶	عامل
				۰/۶۷۰					اصلاح قانون تامین اجتماعی	۸۰	۱
				۰/۶۵۲					اصلاح قانون تجارت	۸۱	۲
				۰/۵۵۹					اصلاح قانون نظام صنفی	۷۹	۳
				۰/۵۰۱					جلوگیری از فرار مغزهای صنعتی منطقه	۹۹	۴
				۰/۴۵۵					عضویت در سازمان تجارت جهانی	۷۸	۵
				۰/۴۴۳					استفاده از امکانات و ابزارهای سازمان بین المللی کار به ویژه در تربیت نیروی متخصص و تجهیز مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای	۸۵	۶
				۰/۴۰۵					کاستن از مالیات تولید کنندگان	۶۸	۷
				۰/۳۹۳					برنامه ریزی برای تقلیل هزینه های فرصت های شغلی	۵۵	۸
									حمایت از بخش صنعت همراه با اعطای تسهیلات کم بهره	۷	عامل
				۰/۶۰۷					اعطای تسهیلات بانکی به بخش صنعت	۲۴	۱
				۰/۵۶۰					ایجاد بانک توسعه اشتغال	۴۱	۲
				۰/۵۲۵					کمک مالی بلاعوض دولت در شروع کار به واحدهای کوچک صنعتی	۷۷	۳
				۰/۵۰۴					توسعه و تقویت صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی	۴۲	۴
				۰/۴۸۵					اعطای وام‌های کم بهره با نرخ ۴٪ و کمتر	۶۷	۵
				۰/۴۸۵					فروش اوراق قرضه داخلی جهت راه اندازی پروژه های مهم صنعتی در منطقه	۹۱	۶
				۰/۴۸۴					ایجاد سازمان مستقل اشتغال	۴۰	۷
				۰/۴۷۷					فروش اوراق قرضه در خارج از کشور جهت راه اندازی پروژه های مهم صنعتی در منطقه	۹۲	۸
				۰/۴۵۹					عرضه سهام واحدهای صنعتی در بازار بورس	۲۵	۹

ادامه دارد...

ادامه جدول ۲

عامل	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	استقلال عمل مدیران واحدهای صنعتی
۱	۱۴								خارج کردن واحدهای کوچک از شمول قانون کار
۲	۷۴								اجازه استفاده از قراردادهای کار پاره وقت
۳	۷۵								کاهش هزینه های جنبی مزد
۴	۱۳								تقویت قراردادهای بین فردی (کارفرما-کارگر)
۵	۱۵								وضع قوانین مالکیت معنوی
۶	۱۲								تقویت قراردادهای دسته جمعی
۷	۱۱								اصلاح قانون کار
۸	۷۶								کاهش میزان بیمه پرداختی سهم کارفرما
عامل	۹								سرمایه گذاری خارجی و داخلی
۱	۶								جذب سرمایه های خارجی
۲	۸۹								سرمایه گذاری بین المللی از طریق بانک جهانی و دیگر نهادهای بین المللی در بخش صنعت
۳	۸۴								استفاده از امکانات مالی صندوق بین المللی پول
۴	۷								جذب سرمایه های بخش خصوصی
۵	۹۰								کاهش فاصله زمانی اجرا و تکمیل پروژه های نیمه تمام واحدهای صنعتی
۶	۳۱								صدور نیروی انسانی (نیروی کار به خارج از کشور)
ارزش ویژه	۶/۲۰۲	۵/۹۵۰	۵/۹۳۰	۵/۸۸۶	۵/۴۷۳	۵/۳۶۷	۵/۲۸۹	۴/۲۱۷	۴/۱۵۰
واریانس کل	۶/۲۰۲	۵/۹۵۰	۵/۹۳۰	۵/۸۸۶	۵/۴۷۳	۵/۳۶۷	۵/۲۸۹	۴/۲۱۷	۴/۱۵۰
درصد اشتراک	۶/۲۰۲	۱۲/۱۵۲	۱۸/۰۸۲	۲۳/۹۶۸	۲۹/۴۴۱	۳۴/۸۰۸	۴۰/۰۹۷	۴۴/۳۱۴	۴۸/۴۶۴

آزمون تفاوت رتبه ای فریدمن بین عامل های ۹ گانه

از آنجایی که عوامل کلیدی مؤثر در ایجاد اشتغال پس از انجام تحلیل عاملی ۱۰ مورد تعیین شدند، از این رو هر پاسخگو در ارتباط با عوامل ۹ گانه نظر خود را بیان کرده است که تقدم و تاخیر را می توان به لحاظ اهمیت هر یک از این عوامل ده گانه از نظر مدیران انتظار داشت. بنابراین، برای مقایسه دیدگاههای رتبه بندی شده مدیران نسبت به هر یک از عوامل کلیدی ۹ گانه از آزمون فریدمن استفاده شد که در نهایت مشخص گردید بین عوامل نه گانه از نظر

رتبه ای بیان شده تفاوت وجود دارد. مهمترین و کلیدی ترین عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال در بخش صنعت استان آذربایجان شرقی از دیدگاه مدیران واحدهای صنعتی بزرگ به ترتیب رتبه و اولویت در جدول ۳ مشخص شده اند.

بحث و نتیجه گیری

از آنجا که مشاغل صنعتی اغلب از مولدترین مشاغل و از بالاترین مزایای حقوقی در اقتصاد بهره مند هستند، طرح این

جدول ۳. رتبه بندی عامل ها بر اساس آزمون فریدمن

رتبه	میانگین	عامل	رتبه
۱	۶۰/۶۹۶۶	بهبود مدیریت در بخش صنعت	۸/۱۲ درصد
۲	۷۷/۵۲۳۳	بهره گیری از تجارب و مدلها و الگوهای کشورهای صنعتی توسعه یافته	۷/۷۳ درصد
۳	۶۰/۹۴۱۵	سرمایه گذاریهای بین المللی خارجی و داخلی	۶/۸۶ درصد
۴	۶۴/۱۶۹۸	اصلاح و تنظیم قوانین مقررات مرتبط با صنعت و اشتغال	۶/۶۶ درصد
۵	۵۵/۰۹۹۷	تنظیم بازار اقتصادی (کالا - پول - سرمایه - کار) و توسعه بازارچه مرزی و مناطق ویژه اقتصادی	۵/۳ درصد
۶	۶۹/۷۷۵۸	حمایت از بخش صنعت توأم با اعطای تسهیلات کم بهره	۴/۸۵ درصد
۷	۶۱/۴۵۰۴	توسعه آموزش به ویژه آموزشهای فنی و حرفه ای	۴/۷۱ درصد
۸	۴۹/۷۷۷۴	سرمایه گذاری در مقیاس صنایع کوچک روستایی و شهری	۴/۷ درصد
۹	۷۱/۷۳۹۸	بهبود شرایط کار در محیط های صنعتی	۳/۴۲ درصد

مشکل حاد بیکاری در جامعه هدف اشتغالزایی در بخش های مختلف اقتصادی کشور را دنبال می کند، باید گفت یکی از گام های مهم در این خصوص تشخیص عوامل کلیدی توفیق برای اشتغال زایی در بخش های مختلف است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل عاملی این عوامل در بخش صنعتی استان آذربایجان شرقی شناسایی و رتبه بندی شده اند. با توجه به اینکه دولت سعی

دارد با اتخاذ خط مشی های تنظیمی در جریان فرایند اجرای برنامه پنج ساله بر مشکل بیکاری در جامعه غلبه کند، پیشنهاد می شود خط مشی ها و برنامه های خود را با توجه به اهمیت این عوامل توفیق تهیه و تنظیم کند:

الف. بهبود مدیریت و ارتقای سطح فرهنگ

این عامل با رتبه ۸/۱۲ درصد به عنوان اولین عامل کلیدی موثر در ایجاد اشتغال شناسایی شده است که حکایت از ضعف سیستم مدیریت اشتغال در منطقه و شاید بتوان گفت در کل کشور دارد. در حقیقت مدیران می توانند نقش موثری در ایجاد اشتغال در بخش صنعت ایفا کنند و ضعف سیستم مدیریتی می تواند خود به عنوان عامل بازدارنده ظاهر شود. به عبارت دیگر، مدیریت توسعه صنعتی عنصر کلیدی در تحقق اشتغال زایی و افزایش بهره وری بنگاه های صنعتی در مقیاس های مختلف است.

ب. بهره گیری از تجارب، مدل ها و الگوهای کشورهای توسعه یافته

صنعتی

بهره گیری از تجارب، مدل ها و الگوهای کشورهای توسعه یافته

پرسش مهم است که برای افزایش و بهبود وضعیت اشتغال در این بخش چه باید کرد. همان طور که گیلیس و همکاران (۱۹۹۲) اشاره می کنند، کشورهای معدودی توانسته اند اندازه متوسط اشتغال در بخش صنعت خود را از طریق صدور تولیدات صنعتی افزایش دهند. عملکرد اغلب کشورهای در حال توسعه در زمینه اشتغال بخش صنعت، زمانی تاثیرگذار خواهد بود که این بخش نه فقط سهم عمده ای از رشد نیروی کار را به خود اختصاص دهد، بلکه به تدریج آن را از حالت اشتغال کمتر مولد در بخش کشاورزی دهقانی، خدمات جزئی، و صنایع کوچک روستایی رها کند.

بدون شک، معضل بیکاری یکی از مشکلات استراتژیک در کشور ما محسوب می شود. بنابراین، بی جهت نیست که توجه به اشتغال زایی در بخش های مختلف صنعتی، کشاورزی، و خدمات به طور جدید در دستور کار دولت قرار گرفته است، اما تلاش دولت برای پاسخگویی به متقاضیان کار، در عمل چندان موفق نشده است. یک دلیل چنین ناکامی می تواند به عدم شناخت دقیق عوامل کلیدی توفیق در زمینه اشتغال زایی باشد. همان طور که وارد (۱۹۹۵) اشاره می کند عوامل کلیدی توفیق چیزهایی هستند که برای رسیدن به هدف نقش تعیین کننده ای دارند. اگر دولت برای رفع یا تقلیل

صنعتی با رتبه ۷/۷۳ درصد به عنوان دومین عامل کلیدی در تحقق اشتغال زایی شناسایی شده است. به سخن دیگر، باید از تجربه مفید دیگر کشورها در زمینه اشتغال زایی و مبارزه با بیکاری آموخت. محک زنی (رهنورد، ۱۳۷۸) روشی است در این خصوص که می‌تواند در شناسایی الگوهای موفق اشتغال زایی در دیگر کشورها و اقتباس از آنها بسیار کارساز باشد.

ج. جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بین‌المللی

سرمایه‌گذاری خارجی و بین‌المللی با رتبه ۶/۸۶ درصد به عنوان سومین عامل با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی و آزمون فریدمن بر گزیده شده است. نیازی به توضیح نیست که سرمایه‌گذاری خارجی و بین‌المللی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در ایجاد اشتغال دارد (گیلمور و همکاران، ۲۰۰۳). برای جذب سرمایه‌های خارجی این موارد مورد تاکید است: ۱) کاهش نرخ ریسک سرمایه‌گذاری در منطقه؛ ۲) اتخاذ دیپلماسی اقتصادی در روابط بین‌الملل؛ ۳) تعدیل نرخ مالیاتی.

د. اصلاح و تنظیم قوانین و مقررات مرتبط با صنعت

اصلاح و تنظیم قوانین و مقررات مرتبط با صنعت با رتبه ۶/۶۶ درصد به عنوان چهارمین عامل زمینه‌ساز اشتغال‌زایی در بخش صنعت تشخیص داده شد. طبیعتاً رفع مشکلات و پیچیدگی‌های قانونی نه تنها موانع سرمایه‌گذاری را بر طرف و زمینه را برای فعالیت بیشتر آماده می‌کند، بلکه با کنار گذاشتن مقررات دست و پاگیر امکان استفاده از حداکثر ظرفیت‌های اسمی نیز فراهم می‌شود.

ه. تنظیم بازار اقتصادی

تنظیم بازار اقتصادی (کالا، پول، سرمایه و کار) و توسعه بازارچه‌های مناطق مرزی و همچنین مناطق ویژه اقتصادی به عنوان پنجمین گزینه با ۵/۲۵ درصد ظاهر شد. این عامل نیز از اهمیت

خاصی در اشتغال‌زایی برخوردار است. برای تنظیم بازار، این موارد توصیه می‌شود: ۱) ایجاد رقابت در بین واحدهای صنعتی تولید محصول با کیفیت بالا و استانداردهای بین‌المللی؛ ۲) فراهم کردن زمینه‌های صادرات محصولات صنعتی صنایع مختلف؛ ۳) حمایت از کارآفرینان با محوریت خلاقیت در ساماندهی نیروی کار.

و. حمایت از بخش صنعت توأم با اعطای تسهیلات

حمایت از بخش صنعت توأم با اعطای تسهیلات کم بهره با رتبه ۴/۸۵ درصد به عنوان ششمین عامل تاثیرگذار شناخته شد. حمایت تسهیلاتی از صنعت و کارگاه‌های صنعتی فعال، زمینه را برای ایجاد اشتغال فراهم می‌کند. در این خصوص، این پیشنهادها قابل ارائه است: ۱) ایجاد سازمان مستقل اشتغال به منظور سر و سامان دادن به وضعیت؛ ۲) اعطای تسهیلات بانکی با نرخ پایین به منظور توسعه صنعت و رفع نیازهای صنعتگران و واحدهای صنعتی؛ ۳) اعطای تسهیلات ویژه به دارندگان طرحهای صنایع و معادن؛ ۴) توسعه مراکز کاریابی و نظام جامعه اطلاع‌رسانی.

ز. آموزش بویژه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

آموزش به ویژه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، هفتمین عامل مورد تاکید مدیران بود. آموزش متناسب با بازار کار و آموزشی که با بازار کار تطابق داشته باش، زمینه‌های ایجاد اشتغال را فراهم می‌کند. بر اساس آزمون فریدمن، رتبه ۴/۷۱ برای این عامل به دست آمد. برای زمینه‌سازی از طریق آموزش این موارد مورد تاکید است: ۱) توجه و اهتمام بیشتر به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مرکز استان و شهرستان‌های تابعه؛ ۲) اصلاح نظام آموزش و پرورش و توسعه هنرستان‌های فنی و کشاورزی جهت تربیت نیروی کار ماهر و بویژه تکنسین مورد نیاز صنعت؛ ۳) ترویج و گسترش آموزش‌های

1. Critical Success Factors (CSFs)

۲. از میان فهرست شماره‌گذاری شده صنعت و با استفاده از جدول اعداد تصادفی، واحدهای مورد مطالعه (مدیران) انتخاب شده‌اند.

بازرگانی و صادرات به افراد مستعد به‌ویژه بازرگانان و پيله وران منطقه؛ ۴) تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر و تکنسین برای صنعت استان از طریق توسعه هنرستان‌های فنی و دانشکده‌های فنی و مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای و ۵) ایجاد و گسترش هنرستان‌های صنایع دستی که در میزان افزایش اشتغال منطقه مؤثرند.

منابع

الف. فارسی

- بهبودی، داود (۱۳۷۸). چشم انداز بازار کار و اشتغال، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- ثابتی، مشکوه (۱۳۸۰). «بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در استان آذربایجان شرقی و ارائه راهکارهای مناسب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، تبریز: مرکز سابق آموزش مدیریت دولتی.
- جلالی، علی اکبر (بهمن ماه ۱۳۸۰). «نقش ASPها در ایجاد اشتغال»، مجموعه مقالات همایش نقش فناوری اطلاعات در اشتغال، تهران: ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه.
- رایبسون، جون (۱۳۵۶). مقدمه ای بر نظریه اشتغال، ترجمه احمد شهشهانی، تهران.
- رهنورد، فرج الله (۱۳۷۸). «حقیقت و افسانه در مدل پورتر»، دانش مدیریت، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۶۲-۸۵.
- ————— (۱۳۷۸). «محک زنی برای نظام اداری برتر»، مدیریت دولتی، شماره ۴۵ و ۴۶، پاییز و زمستان، صص ۵۹-۷۲.
- روی، آلن؛ و داگلاس، جورج (۱۳۷۷). اقتصاد کلان: یک برداشت ریاضی، ترجمه مهدی تقوی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ساسانی، عبدالحسین (۱۳۶۴). سطح کنونی اشتغال، اصفهان:

ح. سرمایه‌گذاری در مقیاس صنایع کوچک

سرمایه‌گذاری در مقیاس صنایع کوچک روستایی و شهری هشتمین عامل با رتبه ۴/۷ ظاهر شد و نقش صنایع کوچک در اشتغال زایی مورد تاکید است. باید در نظر داشت که هرچند صنایع کوچک به رفع مشکل اشتغال زایی کمک موثری می‌کنند، اما ممکن است اغلب مشاغل در بنگاه‌های کوچک به دلیل درآمدزایی پایین در افزایش سطح زندگی شاغلان چندان مؤثر نباشند. بنابراین، هدف سیاست‌گذاری‌های دولت نباید صرفاً افزایش اشتغال باشد بلکه باید این سیاست‌ها در افزایش بهره‌وری صنایع کوچک نیز کارساز باشد. صنایع کوچک در نواحی روستایی یا شهری باید با الگوی خوشه‌های صنعتی ایجاد شوند تا بتوانند به صرفه جویی‌های ناشی از تجمع دست یابند و از همه مهم‌تر نقش مکمل و حمایتی را با یکدیگر دنبال کنند.

ط. بهبود شرایط کار

بهبود شرایط کار، نهمین عامل، با رتبه ۳/۴۲ درصد ظاهر شده است. عامل بهبود شرایط کار اشاره به شرایطی دارد که در بخش صنعتی در مقایسه با بخش خدمات حاکم است. سختی شرایط کار و خطرهای محیط کار از جمله مصادیق بارز شرایط کار صنعتی محسوب می‌شود.

روابط عمومی و بین الملل دانشگاه اصفهان.

■ سرمد، زهره؛ حجازی، الهه؛ و بازرگان، عباس (پاییز ۱۳۷۸). روش

تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگاه.

■ قاسم زاده، فریدون (۱۳۸۰). «نگاهی به روند توسعه صنعت شب در

هند»، مجموعه مقالات همایش نقش فناوری اطلاعات در اشتغال،

تهران ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه.

■ مریدی، سیاوش (۱۳۷۹). «فرصت‌ها و محدودیت‌های کارآفرینی

در ایران»، تدبیر، سال یازدهم، شماره ۱۰۹.

■ می‌ریز، دنی و وال، نانسی (۱۳۷۰). دوره کامل علم اقتصاد، جلد

اول و دوم، ترجمه مهدی تقوی و دیگران، تهران: موسسه پیشرو.

■ مهیر، جرالد ماروین (۱۳۷۸). مباحث اساسی اقتصاد توسعه،

ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی.

■ نائینی، سیدمهدی (۱۳۷۲). فرهنگ و اصطلاحات کار و تأمین

اجتماعی، تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی.

■ هایامی، یوجیرو (۱۳۸۰). اقتصاد توسعه: از فقر تا ثروت ملل،

ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی.

ب. خارجی

● Bagshaw, M. (1996). "Creating Employability: How can Training and Development Square the Circle between Individual and Corporate Interest?" **Industrial and Commercial Training**, Vol. 28, No.1, pp.16-18.

● Cardinali, R. (2000). "The Impact of Technology in the Workplace: Examining Those Who the Impact Crushed", **Logistics Information Management**, Vol. 13, No. 6, pp.334-337.

● Clarke, A. (1997). "Survey on Employability", **Industrial and Commercial Training**, Vol. 29, No. 6, pp.177-183.

● Gillis, M.; Perkins, D.H.; Roemer, M; and Snodgrass, D.R. (1992). **Economics of Development**, W.W Norton & Company.

● Gilmore; A.; O'Donnell, A.; Carson, D.; and Cummins D. (2003). Factors Influencing Foreign Direct Investment and International Joint Ventures: A comparative Study of Northern Ireland and Bahrain, **International Marketing Review**, Vol.20, No.2, pp.195-215 .

● Green, R. (2000). "Unemployment: Perspectives and Policies," **International Journal of Manpower**, Vol. 21, No.5, pp.338-342.

● Paul, S. (1996). "Defence Spending and Unemployment Rates: An Empirical Analysis for the OECD", **Journal of Economic Studies**, Vol.23, No.2, pp.44-54.

● Quiggin, G . (2000). "Unemployment: Still Hoping for a Miracle?" **International Journal of Manpower**, Vol.21, No.5, pp.374-383.

● Ward, J. (1995). **Principles of Managing Information Systems Management**, N.Y.: Routledge.

● Williams, C.C.; & Windebank, J. (1999). "Unshackling the Future of Work from the Ideology of Full Employment", **Foresight - The Journal of Future Studies, Strategic Thinking and Policy**, Vol.1 No.4, pp.319-332.